



فروش سرمایه‌ی ملی
شهریاران امانی



و نایع با عالم واعظ
به یاد استاد سید عبدالقادر دامغانی



گام به گام تا حکومت دینی
ویژانه‌ی سازندگی برای نمایندگان کتاب



طرح ضد ملی

سازندگی طرح ضد فرهنگی و ضد ملی استفاده‌ی بهینه از اشیاء باستانی و گنج‌ها را که توسط بیش از ۴۰ نفر از نمایندگان تهیه شده است، واکاوی می‌کند. آنها به دنبال چه هستند؟



روزنامه‌ی صبح ایران



کامران مشفق گوهری
رئیس هیئت مدیره
انجمن سازندگی ایران

طرح جدید مجلس با عنوان «طرح بهینه استفاده از اشیاء باستانی و گنج‌ها» جامعه علمی کشور را به دلیل ضدیتی که با علم در آن به نمایش گزارده شده دچار بهت و حیرت کرده است. با اینکه پس از علو شده شدن کتبه بیستون در ۸۰ سال پیش توسط هنری رولینسون بر خورده با آثار تاریخی ایران رفته رفته از نگاه اقتصادی صرف به این آثار به نگاه علمی تمدنی تعبیر کرده است اما این طرح مجلس انقلابی می‌رود که همه تلاش‌های این ۲۰۰ ساله در فهم تاریخ کهن ایران و حیانت از آن را به روزهای پیش از آغاز فعالیت‌های باستان‌شناسی در کشور برگرداند. گذشته از اصل موضوع که پرسش از انگیزه‌ها و دلایل سطحی ۴۶ نماینده اصولگرایی مجلس برای تدوین چنین طرحی است این اقدام چنان ابعاد گسترده‌ای دارد که بررسی آن تنها به موضوع میراث فرهنگی و جایگاه آن نزد بخش غالب نمایندگان مجلس و مسئولان کشور محدود نمی‌ماند و دامنه آن تا نقد نگرش مسئولان کشور نسبت به دانش و روش‌های علمی گسترش می‌یابد. موضوع و ادبیات طرح ارائه شده تا آن اندازه ناآشنا است که موجب اعتراضات جدی فعالین و وابستگان میراث فرهنگی و همینطور اساتید دانشگاه و مراکز علمی باستان‌شناسی کشور شده است به خصوص که تجربه سیاست‌های مخرب مشابه در دولت نهم و دهم به‌ویژه دوران مسئولیت حمید بقایی بر سازمان میراث فرهنگی کشور به اهل فن نشان داده است که چگونه سیاست‌های خلق‌الساعه و یا سودجویانه و غیرتخصصی می‌تواند حاصل چندین دهه تربیت نیروی انسانی و چندین هزار تمدن کشور را تهدید به نابودی بکند. طرح کنونی به گونه‌ای عجیب یادآور طرح مشابه است که بقایی در اواخر دوران حضورش در میراث فرهنگی در فکتر تصویب شد. اکنون هم که اکثر هدفگران و همکاران نزدیک به احمدی‌نژاد در مجلس و دولت مقصد امور شده‌اند ظاهراً همان‌ها که برای گشوده شدن دست‌شان بر سیاست‌ها و مناطق باستانی تحت حمایت و حفاظت وزارت میراث فرهنگی لطمه‌شماری می‌کردند شرایط سخت اقتصادی کشوره تنگسستی تحصیل کرده‌گان دانشگاهی و البته بازار بزرگ عرضه و فروش آثار تاریخی در جهنم را که هوابیسک به دلیل گشوده شدن موزه‌های عظیم تاریخ و تمدن و هنر در کشورهای حاشیه خلیج فارس بسیار نشسته آثار تمدن ایران است را مفتاح چیده‌اند و از سرگردانی نمایندگان ساده‌دل مجلس شنورای اسلامی نیز جداکننده استفاده را کرده‌اند تا چنین طرح ضد فرهنگی و ضد ملی را به قانون تبدیل کنند. ادامه در صفحه ۳

طرح ضد ملی

پنجاره برخی از چهره‌های سیاسی که به هر مری می‌زند تا بتوانند از طریق ارائه طرح‌هایی از این دست قانونی خود نسبت به تحقق شعارهایشان در سید و ورود به مجلس را جبران کنند و در این مسیر حتی از طرحی چنین ارتجاعی و مخرب که به روشنی هدفش غارت قانونی میراث ملی ایران است چنان حمایت می‌کنند که اهل فن را نگران طرح و شاید تصویب چنین طرح شرم‌آوری در این مجلس می‌کند. در سطح کشور فریب به ۳۰ هزار اثر ثبتی شامل سایت‌های باستان‌شناسی و بناهای باارزش وجود دارد اما طبق برآوردها تعداد کل این آثار تا یک میلیون هم می‌رسد که غالباً بدون هیچ ریزو تاریخی کشور محسوب می‌شوند و تا زمانی که هنوز امکان بررسی و شرایط نگهداری مناسب از آنها وجود نداشته باشد بهتر است با پنهان ماندن در زیر خاک (به عنوان بهترین محافظ آثار) برای نسل‌های آتی بماند تا بلکه با امکانات و روش‌های دقیق‌تر آینده بتوانند آنها را رمزگشایی کنند.

سال‌هاست که دیگر حتی غیرمتخصصین هم می‌دانند که در رویکردهای باستان‌شناسی و میراث فرهنگی توجه به فرایند کشف اثر و بستر این آثار تاریخی معمولاً حتی از خود آثار کشف‌شده مهم‌تر است چراکه اطلاعات اصلی یک سکونتگاه و مرمرش را می‌توان در محیط کشف اثر، سواد و مصالح، ابزار و اسکناس‌های پیرامون آن جست‌وجو کرد و دانش حاصل از این آثار و اشیاء پیرامونی است که جایگاه و اهمیت آن اثر را در آن بازل تمدنی نشان می‌دهد. چنان‌که در میان آثار و اشیاء نسیب و بعضاً محوری در گنجینه موزه‌های کشور آثاری دیده می‌شود که چون از قاجا قاجان یا دلالان آثار تاریخی به دست آمده محل و نحوه کشف آنها نامعلوم است و از این رو بخش عمده هویت آنها و به تبع آن بخشی از تاریخ ایران از دست رفته است. ششاد این موضوع آنکه چند ریتون و مجسمه ششاد در موزه ایران باستان وجود دارد که فروشنده آن آثار هیچ‌گاه نگفت که آنها را در کجا یافته و در کنار آنها با چه شواهد دیگری برخورد کرده است.

با این حال اما طرح کنونی به روشنی تنها هدف خود را کشف و خرید و فروش آثار تاریخی می‌داند نه پژوهش‌های تاریخی-تمدنی که در آنها به آثار و اشیاء به دست آمده در حفاری‌های دقیق و محتاطانه باستان‌شناسی همچون سند نگریسته می‌شود نه گنجی برای فروش. حال اگر طراحان طرح عجلالت را هم کنار می‌گذارند شاید به‌روشنی گفته بودند منظورشان از کشف در این طرح مشخصاً تنها آن دسته از آثار تاریخی است که یا از فلزات گرانبها ساخته شده‌اند و یا در بازار آثار تاریخی مشتریان پروپاقرص دارند. با این ترفی بخش عمده‌ای از آثار هزاره‌های دوم و سوم پیش از میلاد نظیر آثار موجود در غده سایت‌های تاریخی کشور که معمولاً سفالینه‌های نقش‌دار هستند فاقد ارزش مبادله در حراج‌ها محسوب کرده‌اند چون محصولات جنسی گنج‌یابی فاقد ارزش شناخته شده رها می‌شدند. بالتصویب این طرح باید در انتظار آن باشیم که در عتبه‌فروشی‌های منوجهی با میدان نقش جهان انبوه ظروف سفالی هزاره‌های پیشین را ببینیم که به‌طور مثال سه تا ۱۰۰ هزار تومان به فروش برسند و توریست خارجی برای یادگاری سفر خود از ایران سفالینه‌های اصل سیلک یا شهر سوخته و یا اسپینوژا یا خود به خانه ببرد.

حتی ششادان قاجار هم بعدها در ره آن‌ها نمی‌برآمدند که آنها را گناهکار می‌شناختند که در ازای دریافت زر و سیم و جواهرات پیدا شده در کاوش‌های ششاد با کاوش‌های استعماری موافقت کرده‌اند.

چهره‌های ششادعی از میان متولیان پیشین میراث فرهنگی کشور نظیر سیدمحمد بهشتی و اسانید دانشگامی نظیر پرویز حناچی شهردار پیشین تهران هم نسبت به این طرح واکنش نشان

دادند و انجمن‌های باستان‌شناسی و غیررگزار می‌باشند و مسکن‌های میراث فرهنگی هم اعتراضات خود را طرح کرده‌اند حتی کارگزاری برای پس گرفتن طرح از سوی نمایندگان راه‌اندازی شده است. بهشتی به مقصود اصلی ارائه‌دهندگان طرح که ایجاد درآمد ارزی و اشتغال اعلام شده حمله کرده و سه نمایندگان پیشنهاد می‌کند که اگر مرادشان درآمد ارزی از راه شکستن تاوهای ملی و اخلاقی کشور است پس راه کسب درآمد ارزی از آزادسازی مواد مخدر و قمار و قحشا را نیز باز کنند. حناچی هم ارائه این طرح را بازگشت به عصر قاجار می‌خواند و تصویب آن را عسارتی غیرقابل جبران می‌داند. حقیقت آن است که این دست اعتراضات رنگی از رگ‌های ارائه‌دهندگان این طرح را تاکنون جنبانده چراکه فتح شکستن آن تاوها که بدان‌ها اشاره شد نیز مدت‌هاست که دیگر در کشور شکسته شده است. مفسر می‌گوید به مواد مخدر به چند دقیقه رسیده است و سن قحشا بسیار پایین آمده است و از آنجا که میراث فرهنگی حتی پنجاهمین مسئله کشور هم نیست نمی‌توان انتظار داشت نماینده مجلس هم سه آن اقبالی نشان بدهد. حتی ششاد بهتر باشد این میراث را فروخت بلکه بنوان پولش را به زعمی زد. باید گفت که نشانه‌های سیلری وجود دارد که عده‌ای بر آن هستند کشور را به روزگار قاجار برگردانند. از این رو این عده مصدوم و ناآگاه باکی ندارند همچون روزگار قاجار همه چیز کشور را به تن بخص سه حراج بگذارند و از خاک و جنگل و کوه تا منابع طبیعی و جانوری و گیاهی کشور را به حراج بگذارند؟

احتمال دیگری که این طرح بدان مامن می‌زند ارائه عده‌ای متمصب با مغرض به گذشته تاریخی تمدن ایرانی نیست به پاک کردن حافظه تاریخی ملت ایران و احتمالاً کاشخت خاطره تاریخی مطلوب خود است. شاید نمایندگان طراح چنین فصدی نداشته‌اند اما رویکردها بنادگرایان طالبان در حسابگی ما نشان داد که چنین اشیئ‌های چگونه می‌توانند نانک را به مصاف بروای با میان برده و با محوطه ثبت جهانی پالمیرا در حلب را منجر کند. معاون میراث کشور هم بجای آنکه نسبت به چنین طرحی بخردشد و نمایندگان را از صرافت این کار بزر بدارد آنها ۸ اسکنال بر طرح مذکور وارد کرده است. اما این اقدام در هنگام معاون میراث کشور نه دیگر قابل اجراء است و نه با رفع آن ۸ بند مورد نظر معاون میراث مشکلات رویکردهای این طرح اصلاح می‌شود. این رشته مرز انتصاب ناآگاهان و غیرمتخصصان به مناسب مدیریت کلان این وزارتخانه در همه دولت‌های نهم و دهم، یازدهم و دوازدهم و سرانجام سیزدهم به فرجامی بهتر از این نمی‌توانست بینجامد که لحامید.

سکوت پژوهشگاه میراث فرهنگی بوزره پژوهشکده باستان‌شناسی کشور و اظهار نظر نرم وزیر میراث فرهنگی کشور نشان از بی‌توجهی و احتیاط این نهاد‌های نگهبان آثار تاریخی کشور نسبت به عسارت مغرب‌باین طرح است و یکبار دیگر لزوم متوقف شدن روان نامورب انتصاب وزرای سیاسی و ناآگاه نسبت به حوزه تخصصی میراث فرهنگی کشور بر این وزارتخانه را یادآور می‌شود اما از سوی دیگر هم نشان می‌دهد که کلنگی کردن نظام بوروکراسی کشور با فروج نگاه غیر علمی رایج در حل و فصل مسائل و مشکلات داخلی و خارجی کشور تا چه اندازه موجب به حاشیه رفتن نهاد‌های علمی کشور از مسیر تصمیم‌سازی‌های تخصصی شده است و سر مورده‌گی متخصصین مختلف کشور از ارائه مشورت‌های دقیق و فرسایش نظام اداری و تقسیم‌گیری کشور چگونه رخ داده است.

در حقیقت این طرح همه مشخصات یک طرح ضد ملی برای حراج گنجینه‌های فرهنگی-تمدنی ایران را دارا است. نمایندگان طراح این طرح با در دام نادانی و ناآشنایی مرمی که بین مسئولان ما

نسبت به میراث فرهنگی عمومیت دارد گرفتارند. یا فریب قاجاقچیان و دلالان عتیقه را بخورند. یا با آثار تاریخی و تمدن کهن ایران ششاد می‌دارند در هر صورت نادانسته و ششاد هم تا عواسته فریانی نوعی نفوذ استعماری برای سوزن کردن دوباره آثار تمدنی ایران کهن به موزه‌ها، دانشگاه‌ها و کنکسیون‌های خصوصی کشورهای غربی و حاشیه حلیح فارس شده‌اند. وگرنه این همه اصرار در طراحی طرحی تا این اندازه ضد ملی تنها می‌تواند کار دشمنان خارجی ملت باشد. از طراحان طرح اخیر مجلس شورای اسلامی پیداست که از فکر کنونی مردم ایران و استیصال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جوانی کار فرصتی ساخته‌اند تا چنین طرح ضد ملی که مطابق استعماری موزه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در آن عرج است را طرح کنند. اگر سری به موزه‌های تاریخ و تمدن جهان بزنید می‌بینید که تالارهای بزرگی از این موزه‌ها با آثار و اشیایی از ایران باستان آرسته شده‌اند. آثار تاریخی- تمدنی ایران با روایت‌هایی نوساخته و معمولاً بدون اشاره به ایران زمین در موزه‌های این کشورها به نمایش گزارده می‌شود در حالی که ملت‌های صاحب این تمدن‌ها و آثارشان برای دیدن آثار تاریخی خود فاردها را پشت سر می‌گذارند. آثاری که به شیوه‌های قانونی و با دادن رشوه به دربار و یا خاطران فرارده‌های قانونی منقطع شده میان گروه باستان‌شناسان فرانسوی و دولت ایران خارج شده است و از زمان مارسل و زان دیولاوای فرانسوی تا سال ۱۳۰۴ که مجلس شورای ملی به لغو فرارده‌های نکبت‌بار باستان‌شناسی توسط مستشاران خارجی رای داده هدف اصلی از کاوش‌های باستان‌شناسی بیشتر خروج اشیاء با ارزش تاریخی تمدن‌های خاورمیانه از این کشورها به مقصد غرب بوده تا پژوهش‌های علمی- کابوسی که نمایندگان تهیه‌کننده این طرح دوباره خواب آن را برای محوطه‌های تاریخی ایران دیده‌اند.

در سبک کلام در نظر طراحان کیم‌سواد و مشاوران عتیقه‌فروش آنها تک‌سختی مردم و ناکارآمدی و برشکنی دولت فرصتی است تا از تاریخ و تمدن کشور که تاکنون نزد مردم ایران جایگاهی هویتی دارد درآمد ایجاد کرده آن هم سه از راه ورود گردشگر و رونق اقتصاد فرهنگی بلکه از راه نوعی خام‌فروشی فرهنگ و عناصر فرهنگی. این نمایندگان چون عود بهتر می‌دانند که گردشگری بین‌المللی در ایران معطل آن دسته از گناش‌هاست که جمهوری اسلامی قادر به نابین آنها نیست برآند تا در رکود کنونی گردشگری کشور که حتی موجب اعتراض سفیر روسیه در ایران هم شده است این آثار تاریخی فرهنگی ملت که پشتیبان آنها گونه گردشگری نسبتاً پررونق کشور یعنی گردشگری فرهنگی است را زده ملت‌های ثروتمند غربی و عربی بفرستند ششاد همین اندازه هم نخواهند قدر برنجه کنند و به کشور ما با معدود پنهان‌های گردشگری‌اش سفر کنند بلکه همین آثار را با نمایش در موزه‌های نامناسب خود به نمایش جهانیان بگذارند. حالا اگر کسی از مردم ما هم شایلی برای دیدن این آثار داشت و بزا گرفته راهی موزه لوور پاریس یا می‌شود و از آن همه توجه و رسیبگی که به آثار ایران در آن موزه‌ها می‌شود اثر از خوشحالی می‌کند و با خود می‌گوید ما که قدر این آثار را نمی‌دانیم همان بهتر که این آثار نزد این امانت‌داران قدرمان باشد تا جهانیان هم به عظمت ما پی ببرند. نمایندگان چنین ناآگاه ششاد و نادانی ناآگاهتر از خود را نمایندگان می‌کنند و به قول مظفرالدین میرزا ششاد قاجار که در موزه لوور در پاریس درخواست کمال‌السلک برای تمدید مأموریتش در فرانسه سختی را بر زبان راند که به میان ضرب‌المثل‌های ایرانی راه پیدا کرده است: «همه چیزمان به همه چیزمان می‌آید»!